

با من  
آهسته تر بیا، آهسته-تر بیا!

آرام جانم، لحظه ای لطیف است که به کندی، به ملایمت و لبریز از مهربانی در کجاوه ی زنده گی به آهسته گی، شاید هم آهسته-تر از هر آهسته ای می رود. می خواهم او را ببینم و سر تا پایش را ورنه انداز کنم. می خواهم دم هایی که او را در برگرفته اند و نجیبانه از برابرم می گذرند، آهسته و آهسته-تر از پی یکدیگر بیایند و به من این فرصت را بدهند تا او را در خود بیامیزم، تا دستانم بتوانند به آرامی حجم نرم او را نرمک-نرمک حس کنند.

درختم، درختی که در هستی خود، با هسته ای هستیدن خود را به تدریج و تانی پیش می برد. تند و تیز نیستم بلکه آهسته و شاید هم آهسته-تر از هر چیزی شاخ و برگ هایم را در فضا می پراکنم. بی هیچ کوشش ملموسی، مرتب فراتر از خود می روم و سکوت را دوست دارم، صدای سکوت زیباست! آهنگش را با هر یک از برگ هایم به ریشه می برم و از دم های خود سرخوش از حساب در می گذرم و تغییر را در خود حس می کنم. دگرگونی-ای که بر قد و قواره ام می افزاید و توامان مرا پایدار در خاک بودنم، استوار می سازد.

امروز با تو هستم، در کنارت می خواهم آهسته، شاید آهسته-تر از هر جنبه ای به فردا بیاندیشم. فردایی با درنگ های پی در پی در دهلز های حال و خوشی ی مستانه، لبریز از پرسش های نقش آفرین و پاسخ های نه همیشه درست در سرای با هم بودن، با هم زیستن و عشق و زیبایی را کمی یافتن! امروز می خواهم شگفتی نفس هایم را با تو حس کنم، مکث های آفریننده اش را دریابم و به روی دیگر دنیا بنگرم. می خواهم آهسته-تر از همیشه ترک های زندگی را ببینم و در جزئیاتش بگردم تا بر رخسار هر جزیی بوسه ای از آشنایی زنم.

بروکسل ۲۱ اوت ۲۰۲۳  
۳۰ مرداد ماه  
احمد امینیان  
...

پروژه های و-تن با هم-کاری ستودیو در مانگاه و ستودیو افشار رویدادی با عنوان آهسته-تر برگزار می کنند:  
نمایش تک عکسی از محمد غزالی با عنوان با این دست ها...

به هم-راه صدا از مهدی بهبودی  
ساز بنجو از محمد سلیم براهوئی  
اجرای نغمه معنوی هنرمند تئاتر و هنر های اجرایی و پژوهش گر مطالعات اجرایی  
و  
فروغ جلیلیان هنرمند و پژوهشگر هنر های تصویری و اجرایی  
...

با این دست ها...  
این مجموعه در سال ۱۳۸۳ در دومین نمایشگاه سالانه ی هنر جدید در تالار مولوی دانشگاه تهران به نمایش درآمد و در نوامبر سال ۲۰۱۰ با هم-کاری گالری اثر در آرت-فر استانبول ترکیه با عنوان انبوه ارائه شد.

محمد در رابطه با این مجموعه می گوید که نوک انگشتان من در سرما بسیار حساس هستند تا جایی که شکل عوض می کنند و متورم می شوند. به آهسته گی قرمز می شوند و شروع به خاریدن می کنند. به همین دلیل در فصل سرد سال کم-تر عکس-برداری می کنم.

...

\*این دست ها بارها و بارها معامله کرده اند.

با این دست ها جنس شلوار یا کت هایی که می خواستی بفروشی را لمس کرده ای و با همین دست ها پولی را که گرفته ای و یا حساب کرده ای. آنها...

مبالغ هنگفتی توسط این دست ها خرج شده است. برای قطار، سیگار و مشروب. با اینها از بازار سیاه پول گرفته ای و دو باره در بازار سیاه خرج کرده ای. بله تو همه ی این کارها را با این دست ها انجام دادی. با این دست ها درهای هتل های مجلل و کافه های تیره و تاریک را باز کرده ای. تو این دست ها را در آب های سیاه و اقیانوس اطلس کرده ای. این دست ها چیزهای زیادی گرفته اند، اما در ازای آن کم داده اند.

با این دست ها زمین را کنده ای و تکه ای از پیراهن-ات را پاره کرده ای. با این دست ها برگه های غیبت جعلی ساختی و روی آنها اسامی دل-خواه خود را نوشته ای...

با این دست ها گلوله های کاغذ را از طریق لوله های قلم روی میز معلم پرتاب کرده ای. دست های خود را با جوهر قلم فواره ای که مدت ها شکسته است کثیف کرده ای.

یک زمانی سینه ی مادر خود را هنگام شیر دادن نوازش کردی؛ زمانی که دیگر نمی توانی آن را به خاطر بیاوری. با این دست ها کیف مدرسه ات را گرفتی.

دست های تو آغشته به خون، در خونی که پف کرده و سیاه شده است. در خونی که خون او بود یا مال تو، درست مثل دست قصابان؛ همین دست ها...

گزیده ای از کتاب پیراهن ابریشمی سبز رنگ، داستان "با این دست ها" اثر هاینریش بل با برگردان محمد اسماعیل زاده



با این دست ها... / ۱۲۸۳ عکاسی سیاه و سفید، آنالوگ/ چاپ لامبدا/ ۸ قطعه، هر قطعه ۶۰ در ۹۰ سانتی-متر، مجموع ۱۲۰ در ۳۶۰ سانتی-متر، ۷/۳

مهدی بهبودی در این راستا موسیقی-ای را برای مترو پیشنهاد داده که:

اگر در شهر به جایی می روی،

با مترو برو.

تمام فرایند را،

از خرید بلیط تا سوار شدن به قطار،

با آرامش و به کندی انجام بده.

اگر در طول مدت این فرایند قطاری از راه رسید برای رسیدن به آن سرعت را تغییر نده.

با همان کندی ادامه بده.

۱۴۰۰

...

در باره‌ی هم-کاری مشترک نغمه و فروغ

RTC\*

به ما پیشنهاد می‌دهد که در عوض تمرکز روی چیزی که انتظار داریم با آرزویش را داریم، روی حذف «صدایی» تمرکز کنیم که مانع تمرکز

ما روی خوانش وضعیت به همان-گونه که هست، می‌شود.

### \*Real time composition

...

محمد سلیم براهونی:

هنرمند موسیقی بلوچستان، کلاسیک هند، غزل اردو و فارسی دری، متولد آذر ماه ۱۳۶۱ شهر کنارک

از ۱۵ سالگی عاشق موسیقی و نوجوانی تا کنون در کاوش و تجربه‌ی عشق در موسیقی احوالات گوناگونی را سپری کرده است.

ماحصل قلبی مهربان، نگرشی خاص به موسیقی ذکر شده، تجربیاتی ارزشمند در چنته دارد و با شور و هیجان در مسیر موسیقی عشق و مفهومی از

راز کائنات قدم برمی دارد.

نوازندگی سازهای بنجو، طبل، دهلک، هارمونیم و خواننده‌گی را در سبک غزل اردو، بلوچی، بالیوود قدیم و جدید، فارسی دری (افغانستان) مسلط

است.

سرودن اشعار فارسی، بلوچی و اردو نیز در پرونده سلاقی، پتانسیل و فعالیت های ایشان به شمار می آید.

...

- در باره پروژه های و-تن:

فضایی مستقل و هنرمند-گردان که تلاش می کند نیروهای بالقوه را که به هر دلیلی به عقب رانده شده اند، بالفعل کند.

- در باره استودیو درمانگاه:

محل کار و زنده گی محمد غزالی است. واقع در خیابان جمهوری، بین خیابان دانشگاه و خیابان فخر رازی، بن-بست درمانگاه، شماره ۶

- در-باره ی استودیو افشار:

محلی یا موقعیتی به هدایت به-روز معمار مشرفی است که مشتاق به فعالیت کار گروهی در حوزه های متنوع به منظور لذت و تجربه

دارد. واقع در بلوار کشاورز، خیابان عبداله-زاده، کوچه افشار، شماره ۲، واحد سوم

- در باره م ک ا ی ن:

م ک ا ی ن را لی-ینا الیاسی و میلاد شفائی تاسیس کرده اند.

م ک ا ی ن در راستای ارائه ی مواد غذایی تازه و با کیفیت و سالم در مهر ماه سال ۱۴۰۰ تاسیس شده است.

محصولات م ک ا ی ن بدون نگه دارنده و با در نظر داشتن ذائقه ی متفاوتی خاص-پسند با رژیم غذایی متفاوت شامل افرادی که قند و شکر، گوشت و

تخم مرغ و روغن را از برنامه غذایی روزانه خود حذف کرده اند تهیه می شود.

هدف مکین، سلامتی و لذت است. واقع در خیابان شریعتی، خیابان معلم، کوچه آقابگی، کوچه عطرچی، بن-بست لطیف، شماره یک، واحد چهارم

...

چهارمین رویداد آهسته-تر در استودیو افشار و با پذیرایی م ک ا ی ن به تاریخ جمعه، دهم شهریور ماه سال ۱۴۰۲

پروژه های و-تن